

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی صورت دیگری از صور تلقیح

در بحث تلقیح مصنوعی این نوع هم که نطفه مرد را در داخل رحم زن با تخمک تلقیح کنند بررسی شد. یک نوع دیگر این است که اگر ماء مرد را با یک تخمکی در خارج تلقیح کنند و بعد بخواهند این را در داخل رحم دیگری قرار دهند یعنی خود این نوع هم سه فرض دارد جایی که ماء از مرد و تخمک از زن هست و آنها را در خارج تلقیح کنند آنگاه یا در رحم همان زنی که تخمک را از او گرفته اند قرار دهند، یا در رحم زن دیگر قرار دهند و یا در رحم کنیز این مرد قرار دهند. اینجا چه حکمی دارد؟ در اینجا هم یا تخمک برای زوجه صاحب منی است یا تخمک مال یک زنی است که زوجه او نیست.

بررسی حکم این صورت

یک بحث این است که تلقیح خارجی اینها چه عنوانی دارد؟ تلقیح ماء الرجل با تخمک زوجه این مرد در خارج هیچ مانعی ندارد و اگر ماء الرجل را از رجل بگیرند و تخمک را از زوجه بگیرند و در خارج تلقیح کنند، روایات «من اقر نطفته في رحم يحرّم عليه» یا «من أفرغ مائه في رحم حرام» و اطلاق آیه «فَمَنْ ابْتَغِي وَرَاءَ ذَلِكَ» هم شاملش نمیشود. اگر نطفه زوج و زوجه را در همان رحمی که تخمک را از همان رحم گرفته اند قرار دهند این هم اشکالی ندارد.

اقسام مورد نزاع در این صورت

کلام در آنجایی است که بخواهند این نطفه را در رحم کنیز این مرد یا زن دوم این مرد یا یک زنی اجنبیه قرار دهند. برخی از بزرگان در کلمات خود گفته اند تمام این صور حلال است. اگر نطفه مرد و تخمک زوجه مرد را با هم تلقیح کنند و بعد هر کجا قرار دهند چه در رحم آن زوجه، چه در رحم هووی آن زوجه یا کنیز مرد یا در رحم زنی که بر این مرد حرام است، گفته اند هیچ اشکالی ندارد و تمام این صور حلال است.

ایشان برای کلام خود تنظیر می کنند به اینکه اگر این نطفه ای که تلقیح شده را در دستگاه بگذارند، - نطفه این زوج و زوجه که با هم تلقیح شده است و بعد از تلقیح در دستگاه قرار دادند - چطور اشکال ندارد ما نحن فیه هم چنین است. دلیل اینها علاوه بر این تنظیری که دارند می گویند آن روایاتی که دلالت بر حرمت دارد، در آن روایات ملاک را «اقر نطفته في رحم يحرّم عليه»

قرار داده و این روایات شامل این موارد نمی شود، چون این روایات آنجایی را شامل می شود که نطفه مرد بخواهد با تخمک زنی که آن زن بر این مرد حرام است تلقیح شود،

اما اگر نطفه مرد با تخمک زوجه خودش قبلاً تلقیح شده و این را در رحم این زن بگذارند، اینجا «**فِي رَحِمٍ يَحْرَمُ عَلَيْهِ**» شاملش نمی شود. اما طبق مبنایی که ما دنبال کردیم که عرض کردیم که اطلاق «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**» می گوید زن حق ندارد فرج خود را در اختیار غیر قرار دهد، یک وقت ماء غیر است و یک وقت تخمک غیر است و می خواهد در رحم او قرار دهند. در مانحن فیه ماء و تخمک با هم تلقیح شده است می خواهند در رحم این زن قرار دهند، همه اینها از مصادیق «**فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ**» است، **ذلک** یعنی زن فرج خود را در اختیار مرد و ماء الزوج خودش قرار دهد، وراء این یعنی اگر ماء الزوج این زن نیست یا تخمک غیر است، اینجا ماء الزوج خودش با تخمک غیر تلقیح شده است این را در فرج این زن قرار داده اند اینجا «**فأولئك هم العادون**» شاملش می شود .

طرح یک نکته علمی

اینجا نکته ای را به عنوان بحث علمی عرض کنم. ما دلالت این روایات را تام ندانستیم. اگر کسی از این روایات ضابطه استفاده کرد و گفت از روایات استفاده می کنیم که آنچه که حرام است این است که نطفه زوج با تخمک غیر بخواهد تلقیح شود،

روایات که می گوید «**من أقر نطفته في رحم يحرّم عليه**» مراد این صورت است. گفتیم اگر از ما در مورد «**فِي رَحِمٍ يَحْرَمُ عَلَيْهِ**» سؤال کنید، ما گفتیم که **رحم يحرّم عليه** خصوصیت ندارد، **فِي رَحِمٍ**، یعنی ماء مرد با تخمک زنی تلقیح شود که بر این مرد حرام است ولو در دستگاه، خود رحم با قطع نظر از تخمکی که در آن وجود دارد خصوصیت ندارد، و اگر نعوذ بالله کسی زنا کرد و ماء خود را در رحم زن ریخت اما موجب ولادت نشد، این مشمول روایات است روایاتی که داشتیم **ان اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجلٌ أقر نطفته في رحم يحرّم عليه**، یا روایتی که داریم «**أو أفرغ مائه في رحم حرام**» اینها انصراف به چه چیز دارد؟

اگر مرد ماء خود را در رحم زنی ریخت و بچه ای بوجود نیامد آیا این حرمت گریبان این مرد را می گیرد؟ خیر این حرمت زمانی گریبان این مرد را می گیرد که به تلقیح برسد. روایتی که می گوید علاوه بر حرمت زنا، یک حرمت شدید تر این است که مردی این کار را انجام دهد یعنی اینکه بخواهد از این راه بچه بوجود آورد. پس رحم خصوصیت ندارد، آن چه که خصوصیت دارد تلقیح نطفه این مرد با تخمک این زن است در صورتی که بخواهد این تلقیح ماده ای شود برای تلقیح بچه یا ولد.

نتیجه تمسک به روایات در تحریم تلقیح

اگر کسی ملاک تحریم در باب تلقیح را فقط آن روایات قرار داد - در این بحث ولو اینکه بحث جدیدی است و درست بحث نشده است، اما همین مقدار محدود که بحث شده است، برای حرمت تلقیح مصنوعی در غیر زوج و زوجه بعضی علماء فقط به روایات استدلال کرده اند، برخی به بعضی از آیات، و برخی به **الَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ** تمسک کرده اند، و ما به ذیل آیه تمسک کردیم، و برخی هم می گویند نه روایات و نه آیات هیچ کدام حرمت تلقیح مصنوعی بین زوج و غیر زوجه خودش را ثابت نمی کند

-

حال اگر کسی دلیل تحریم را روایات قرار داد و گفت از روایات می توانیم استفاده کنیم که ملاک این است که اگر نطفه مرد با تخمک اجنبیه تلقیح شد حرام است اما بقیه اش مطلقاً حلال است، مطلقاً یعنی اگر نطفه زوج و تخمک زوجه خودش تلقیح شد

این حلال است، می‌خواهد در رحم همان زنی که تخمک را از او گرفته‌اند بگذارند یا در رحم زوجه دیگر این مرد بگذارند یا در رحم یک زنی که زوجه این مرد نیست یا در دستگاه بگذارند، اگر بخواهند چنین اطلاقی را استفاده کنند و هکذا همین شخص قائل شود که علاوه بر روایات از ذیل آیه شریفه هم اطلاق استفاده می‌شود، آیه می‌فرماید «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»، اینجا دیگر رحم خصوصیت پیدا می‌کند، می‌گوید زن اگر رحم خود را در اختیار غیر ماء شوه‌رش قرار داد - یعنی یا اصلاً ماء مرد دیگری باشد یا اگر ماء مرد خودش هم هست با تخمک زن دیگری تلقیح شود - اینجا هم اگر زن اجازه داد ماء مرد خودش با تخمک زن دیگر را در رحم او قرار دهند این هم می‌شود «فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» این مقدمه محفوظ باشد.

ایجاد تعارض بنابر تمسک به روایات و اطلاق آیه

حال بحث این است که اگر کسی دلالت روایات را تمام بداند و همان کسی که دلالت روایات را تمام می‌داند اطلاق این آیه را هم بپذیرد آیا در ما نحن فیه تعارض بوجود نمی‌آید؟ بین این دو ضابطه تعارض بوجود می‌آید؛ یک تعارضش این است که ضابطه اول می‌گوید آنچه که حرام است این است که ماء مرد با تخمکی که بر این مرد حرام است تلقیح شود، اما اگر ماء مرد با تخمکی که بر او حلال است تلقیح شد مطلقاً جایز است.

یعنی هر جا می‌خواهید این را بکارید. اما اولئک هم العادون می‌گوید اگر همین را بخواهند در رحم هوو بکارند حرام است. این دو اطلاق با هم تعارض پیدا می‌کند. اطلاق ضابطه مستفاد از روایات با ضابطه ای که از ذیل آیه شریفه استفاده می‌شود تعارض می‌کنند، و باید قواعد باب تعارض را در این جا جاری کنیم. منتهی این را به عنوان یک نکته علمی خواستیم استفاده کنیم.

نظر استاد

ما دلالت روایات را تمام ندانستیم و گفتیم آنچه که دلیل محکم بر حرمت است اطلاق آیه شریفه است. آیه شریفه می‌گوید نطفه مرد و تخمک زن که تلقیح شد، فقط می‌توان آنرا در همان رحمی که تخمک از او گرفته شده قرار داد و در بقیه جایز نیست. اگر بگویید طبق این بیان، دستگاه را چه می‌کنید؟ می‌گوییم دستگاه مشمول آیه نیست و اشکالی ندارد. آیه می‌گوید اگر مرد و زن فرج خود را در اختیار غیر قرار دادند حرام است. اما اگر نطفه و تخمک مرد و زنی که بر هم حلال هستند را تلقیح کنند و در دستگاه قرار دهند، تا وقتی که بچه متولد می‌شود اینجا شامل آیه نمی‌شود. اما اطلاق آیه می‌گوید حق ندارید در رحم زنی قرار دهید که تخمک برای او نیست.

اشاره‌ای به بحث رحم اجاره‌ای

و از همین جا بحث رحم اجاره‌ای روشن می‌شود. در رحم اجاره این است که ماء و تخمک زوج و زوجه را تلقیح می‌کنند اما به خاطر اینکه رحم زن آمادگی پذیرش را ندارد، این تخمک و نطفه تلقیح شده را در رحم زن دیگر قرار می‌دهند طبق آنچه که گفته شد این هم حرام می‌شود.

صورت دیگر تلقیح

فرض دیگر این است که ماء مردی را با تخمک زنی که با این مرد حرام است تلقیح کنند. در اینجا دو بحث وجود دارد؛ اول اینکه منی مرد و تخمک زنی که با این مرد حرام است را بخواهند در خارج با هم تلقیح کنند آیا جایز است یا نه؟ دوم اینکه بعد از تلقیح آیا کاشتن آن در رحم زن این مرد جایز است یا نه؟

حکم این صورت

نسبت به مطلب اول بعضی گفته‌اند اشکالی ندارد. می‌گویند آن روایاتی که در آن آمده «اقر نطفته فی رحم یحرم علیه» اینجا را شامل نمی‌شود، چون در خارج منی را با تخمکی تلقیح می‌کنند و صدق رحم یحرم علیه نمی‌کند. این «اقر نطفته فی رحم یحرم علیه» رحم خصوصیت ندارد و ملاک، تلقیح ماء مرد با تخمک زنی است که بر این مرد حرام است، و چون ملاک این است، از روایات هم استفاده می‌کنیم که حرام است.

ولی طبق آیه «فَمِنْ اٰتَنِیْ وَرَآءَ ذٰلِکَ»، اگر کسی مستند تحریمش این آیه باشد نمی‌توان گفت که حرام است. برای اینکه این جا زن رحم خود را در اختیار ماء غیر قرار نداده و ابتغاء وراء ذلک وجود ندارد. اگر ما باشیم و آن روایات، روایات می‌گوید تلقیح نطفه با تخمک که اجنبیه است برای صاحب نطفه حرام است.

طبق آن باید بگوییم اگر در خارج هم باشد حرام است، چه حلال و چه حرام. اگر در خارج تلقیح شد حالا که تلقیح کرده اند آیا می‌توانند در رحم زن این مرد یا در رحم زن اجنبیه قرار دهند؟ طبق مبناي ما نه، چون ما عرض کردیم فَمِنْ اٰتَنِیْ وَرَآءَ ذٰلِکَ کاشتن این تلقیح را اجازه نمی‌دهد. آنهایی که در فرض دوم قائل بودند که مانعی ندارد اینجا هم قائلند به اینکه اشکالی ندارد و تشبیهی دارند؛ می‌گویند در باب زنا، از هر فقیهی سؤال کنیم که بعد از منعقد شدن نطفه آیا سقط آن جایز است یا نه؟ می‌گویند حرام است، چون عنوان قتل نفس را پیدا می‌کند اینجا هم همینطور است ولو اینکه در خارج حرام هم منعقد شده است. نکته‌ای وجود دارد که از آن روایاتی که می‌گوید فی رحم یحرم علیه آیا فقط استفاده می‌شود که ماء اجنبی نباید در رحم بیاید مطلقاً، چه با تخمک دیگری مخلوط شده باشد چه نشده باشد؟ یا فقط قبل از ترکیب تخمک را آن روایات حرام می‌کند؟ توضیح آن را فردا عرض می‌کنم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.